

سیاست ارباب اسلامی را درهم بکوبیم!

منصور حکمت

با وارفتن پروژه خاتمی و تعزیه "جامعه مدنی" و پایان فرصت چهارساله ای که جناح اصلاح طلب حکومت با یاری خیل سازمانها و شخصیتهای مرتجع و کمونیست ستیز اپوزیسیون دوم خردادی، برای رژیم اسلامی خرید، بار دیگر قیافه بزرگ نشده و کریه حکومت اسلام جلوی جهانیان گرفته میشود. صحبت از دست بریدن، اعدام و سنگسار است. صحبت از استفاده عیان و

نمایشی از سعیت اسلامی بعنوان یک ابزار بقاء است. این حکومت آدمکش هاست. تابحال با قتل عام سرکار مانده اند و جز این راهی برای بقاء خود سراغ ندارند. اما اینبار اوضاع به گونه دیگری است. کمتر ناظر سیاسی ای است که اقدامات و سیاست اعلام شده اخیر جمهوری اسلامی مبنی بر نمایش علنی توحش بمنظور ارباب مردم را با صفاتی چون "مذبحخانه"، "از سر استیصال"، "وحشت زده"، "تیر آخر ترکش" و "چاشنی یک

انفجار اجتماعی" توصیف نکرده باشد. این سیاست خبری برای رژیم اسلامی ندارد. کمکی به بقاء و ثبات آن نمیکند. برعکس، آتش خشم بیکران دهها میلیون مردم کارد به استخوان رسیده را شعله ور تر میکند. اوضاع بحرانی اقتصاد ایران، استبداد و اختناق سیاسی و حاکمیت ارتجاعی اسلام کثیف بر حیات مدنی و فرهنگی مردم جایی برای تمکین مردم به حکومت باقی نگذاشته است. به حکم شرایط عینی اقتصادی و سیاسی مردم ایران دیگر قابل ارباب نیستند. هر عریده

کشی و قمه چرخانی ای ای برای لحظاتی عابرین و ناظرین را محتاط میکند، اما روز گوشمالی این اوباش بسرعت و بسیار زودتر از آنچه خود تصور میکنند فرا میرسد.

حزب کمونیست کارگری مصمم است که نیروی مردم را در ایران و در سراسر جهان برای در هم کوبیدن این سیاست مذبحخانه رژیم اسلامی به میدان بکشد. اینها رفتنی اند. برای تک تک این جنایات در دادگاههای مردم محاکمه شان خواهیم کرد. جبهه های نبرد نهایی دارد ترسیم میشود. پیروزی با ماست.

معلمان اخطار میکنند!

در چند هفته اخیر شاهد اعتراضات متعددی در میان معلمان کشور بوده ایم. تحصن معلمان قم در مقابل اداره کل آموزش و پرورش قم، تجمع معلمان پیش دبستانی، اعتراض دبیران به حق التدریس بجای استخدام و تجمع اعتراضی آنها در مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران، نامه سرگشاده جمعی از معلمان با امضای "سازمان معلمان"، به مجلس اسلامی و اطلاعیه جمعهای دیگر از معلمان با امضای "خانه معلمان ایران" برای برپائی شش هفته تجمع اعتراضی در برخی شهرهای کشور بخشی از این تحرک را نشان میدهد. محور این اعتراضات، وضعیت فلاکت بار اقتصادی و عدم افزایش حقوق معلمان بوده است.

صفحه ۴

آکسیونهای گسترده حزب علیه اعدام و سنگسار

حزب کمونیست کارگری ایران علیه احکام جنایتکارانه اعدام و سنگسار و قصاص و علیه تعرضات اخیر حکومت به مردم فعالیت گسترده ای را شروع کرده است. «ب» آکسیونهای حزب همه جانبه و وسیع بوده است، از اشغال دفتر احزاب دولتی در کشورهای اروپایی تا تظاهرات در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی، از پیکت و میتینگ در مراکز شهرها، تا ملاقات و مذاکره با نمایندگان پارلمانها و فعالین سازمانهای زنان، توزیع گسترده اطلاعیه و تلاش

بن بست در شیوه های حکومتی



شما نگران نباشید. یعنی فضولی موقوف! لذا اگر این سیاست ایجاد رعب و وحشت بخواهد ببرد باید جناح اصلاح طلب خودی را اگر نه قلع و قمع دستکم کاملاً از قدرت بیرون کند. این تحولی نیست که جمهوری اسلامی سالم از آن درآید. احتمال قریب تر درگیری حاد و خونین جناح ها، تعمیق شکاف های جمهوری اسلامی و دخالت مردم و سقوط و فروپاشی آنست.

صفحه ۲

قدرت بین اینها جدی تر از هر زمان «ب» است. ایجاد رعب و وحشت اسلامی در عین اینکه رو به مردم دارد، در همانحال حربه ای در جنگ قدرت هم هست. از آنجا که اینبار ابتکار آنرا جناح راست دارد، اگر ببرد آن یکی جناح باخته است. از آنطرف، نمی شود مردم و غیر خودی ها را کوبید اما خودی ها تق تق کنند و «ب» نه بیاورند. (قابل تعمق است که هفته گذشته سحابی، که زمانی وزیر اینها بوده است، و علی افشاری، از رهبران تحکیم وحدت ارگان دانشجویی رژیم، در زندانهای همین رژیم "گم" شدند. جالب این بود کروی که "دنبال کارشان" افتاده بود، خبر آورد که "به ما هم نگفتند کجایند. گفتند

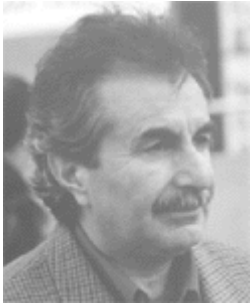
که قرار است مرعوب کند، وحشت خود را برملا میکند. این حرکات همانقدر حاکی از استیصال رژیم است که سردرگمی شان در انتخابات و بی افقی خاتمی و جناح اش. در واقع، "اصلاحات" به بن بست رسیده است، جناح راست بخت آزمایی میکند. اما بختی ندارد، نه در بالا و نه در پایین. اکنون دوره ای نیست که از منتظری تا خلغالی از حزب توده و اکثریت تا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جمعیت مومتلفه اسلامی از گنجچی و حجاریان تا شریعتمداری و فلاحیان پشت سر امامشان نماز میخواندند. برعکس، اختلاف و جنگ

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

شبیخونهای اسلامی به مجالس رقص و شادمانی، دستگیری عشاق، حمله به زنان، هجوم به مردم در سینماها و رستورانها، کشف "آلات جرم" نظیر آنتن های بشقابی، ودکا و نوار موسیقی در خلوت مردم، راه انداختن بساط جنایات اسلامی و الهی در کوچه و خیابان، شلاق زنی، اعدام در ملاء عام، سنگسار، قصاص و غیره - این وحشیگریهای خودویژه اسلام سیاسی، بطور طعنه آمیزی خبر از پایان کار جمهوری اسلامی میدهد. کسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



گوشه ای از جنایات ناتو

فاتح شیخ الاسلامی

مردم جهان بکار افتاده است، دول اروپایی حتی پای بررسی این مساله نمیروند که علاوه بر سربازان ارتش هایشان چه تعداد از مردم کوسوو، صربستان، بوسنی و غیره طی این سالها در جریان بمبارانهای شیمیایی یا در جریان بازسازی ویرانه های جنگ آسیب دیده اند. حقیقت اینست که دول اروپایی فقط تا آنجا دنبال "بررسی" این افتضاح جنگی هستند که از یک طرف در مقابل تلفات نیروهای نظامی خود ناچارند جوابگو باشند و از طرف دیگر این امر در چارچوب رقابت امپریالیستی خود با دولت آمریکا، به نقشه آنها برای ایجاد ترتیبات نظامی اروپایی جداگانه، خدمت میکند.

امروز و در آستانه گذشت ده سال از جنگ خلیج همه میدانند که آمریکا و متحدانش در آن جنگ چه بلانی بر سر مردم عراق آوردند. با این حال همین دول متملن و رسانه های مزدورشان دامن در تلاش بوده اند که حتی ابتدای سربازان خود به آنچه عموماً "سندروم جنگ خلیج" نامیده اند را هم از اذهان عمومی محو کنند. سلاخی سربازان عراقی و مردم بیدفاع در آن جنگ، و بعدها کشتار جمعی مردم در جنگهای یوگسلاوی، که هرگز در سیستم حقوق بشری این دولت ها حساسیتی ایجاد نکرده و لزوم تشکیل کمیسیونی برای

ریختن ده تن بمب شیمیایی از نوع اورانیوم رقیق شده بر سر مردم در جنگ کوسوو، تنها گوشه ای از جنایات جنگی ناتو علیه مردم یوگسلاوی است که این روزها از شکاف اختلاف دول اروپایی با آمریکا بیرون زده است. ظاهر قضیه اینست که به دنبال ابتلای شماری از سربازان ارتشهای بلژیک، پرتغال، چک، ایتالیا و غیره به سرطان خون، دولت های اروپایی از ناتو خواسته اند که استفاده ارتش آمریکا از بمب های اوران در سالهای ۱۹۹۹ در کوسوو و صربستان و همچنین ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ در دیگر جنگ های یوگسلاوی را بررسی کند! و بعضی از آنها شکوه میکنند که چرا آمریکا اطلاعات مربوط به این بمباران ها و این مهمات شیمیایی را از متحدان خود در ناتو مخفی نگاه داشته است! تا همین جا در جریان "افشاء" جنایات آمریکا، عمق جنایتکاری و ریاکاری دول اروپا هم دارد فاش میشود زیرا علاوه بر همدستی در تحمیل جنگ بر مردم یوگسلاوی، اکنون هم در محدود نگاهداشتن افشای ابعاد جنایات جنگی همچنان همدست و همکار آمریکا باقی مانده اند. در حالیکه یک بار دیگر ماشین تبلیغاتی برای هرچه کمتر کردن اثرات این درز حقایق بر افکار عمومی

فوتیال بهانه ای شد تا هزاران تماشاچی، اغلب جوانان، علیه رژیم اعتراض و تظاهرات کنند. و... این تازه گوشه هایی از آنچه است که در ایران میگذرد. دامنه اعتراض مردم علیه بی حقوقی و فلاکت بسیار گسترده تر و رشد یافته تر از آنست که با نمایش جنایات اسلامی عقب رانده شود. در عوض، ریسک این نمایشات برای رژیم بسیار بالاست. میتوان (و باید) موج برگشت اعتراضی عظیمی را برانگیزد. بقول سیاوش دانشور بازی با آتش است. در جریان اعدام در ملاء عام در هفته گذشته در شهری فضا کاملاً انفجاری بود. ظاهراً به ضرب حضور وسیع نیروهای نظامی و اوباش حزب الله "به خیر گذشت". هر مراسم شلاق زنی و قصاص و اعدام میتواند به محلی برای اعتراض مردم به جمهوری اسلامی تبدیل شود. نه فقط مردم آن محله و کوچه مجاور، بلکه مردمی که از آن سر شهر و جاهای دیگر خود را به صحنه اعتراض میروسانند.

بالاخره، حمله اوباش اسلامی به همه مظاهر تمدن و حقوق فردی و حرمت انسانی راه بی برگشتی است. جمهوری اسلامی نمیتواند یک قدم در آن بردارد و بعد بایستد. چرا که آنوقت به معنای شکست آن تلقی خواهد شد و توازن قوا بشدت به نفع مردم تغییر خواهد کرد. از سوی دیگر انتهای این راه چیزی جز اعلام حکومت نظامی، یعنی قرار دادن آخرین تکیه گاه های رژیم در معرض اعتراض مستقیم مردم و تجزیه سریع درونی، نیست. جمهوری اسلامی در یک بن بست کامل در شیوه های حکومت است. وقت سرنگونی اش فرا رسیده است.

از صفحه ۱
بن بست در شیوه ها
و مردم، شانس پیروزی سیاست ارباب اسلامی اینجا حتی کمتر است. این واقعیت که مجریان حزب الله چرخانی اخیر نه لباس شخصی ها که یونیفرم پوشهای نیروی نظامی اند، سرگله ها نه الله کرم ها و ده نمکی ها که امثال علیزاده و هاشمی شاهرودی ها و سایر آیت الله های ریز و درشت قوه قضاییه اند، بخوبی نشان میدهد که حضرات در چه وضعی هستند. حریف نمی شوند، باید قشون رسمی بیاورند و محله را قرق کنند. این جنایات واکنش حکومت در قبال موج وسیع اعتراض هر روزه مردم به ماموران حکومتی و علیه مظاهر اسلام و حکومت است. اما، برای مثال، در همان هفته ای که علیزاده رئیس دادگستری تهران آمار دستگیریهایی و جنایات اسلامی اش را اعلام میکرد، در اهواز کارگران فولاد در برابر استانداری اجتماع کردند. وقتی نیروی انتظامی وارد صحنه شد تا از پیوستن مردم به کارگران جلوگیری کند با هو جمعیت روبرو شد. در قم معلمان در برابر آموزش و پرورش جمع شدند و به سطح نازل حقوق خود اعتراض کردند. روزنامه ها نوشتند که "حضور نیروهای انتظامی بسیار چشمگیر بود". در همان قم دختران دانشجو دانشکده پزشکی فاطمیه علیرغم تهدید اطلاعات و ارباب حراست، سالگرد اعتراضات طولانی شان را گرامی داشتند. در شیراز رانندگان اتوبوسرانی در اعتراض به تعویق پرداختها حمل و نقل مسافر را متوقف و شهر را متوجه اعتراض خود کردند. در تهران، دعوای بازیکنان دو تیم

از صفحه ۱

آکسیونهای گسترده

یک بخش از فعالیت حزب ارتباط با نمایندگان مجالس در اروپا و کانادا و تحت فشار گذاشتن آنها برای اعلام موضع رسمی است. در آلمان بدنال اشغال دفاتر حزب سبز مسئولین محلی این حزب اطلاعیه های شدیداللحنی صادر و رسماً از یوشکا فیشر وزیر امور خارجه خواسته اند موضع بگیرد. این فشار در عین حال با تماس با کمیسیون حقوق بشر مجالس و نمایندگان احزاب چپ در این پارلمانها ادامه دارد. در طول هفته اخیر با ارسال چندین اطلاعیه و تماسهای مکرر فعالین این کمپین با کمیساریای عالی زنان و نمایندگان پارلمان اروپا، موضوع این اعدامها و حکم سنگسار دو زن مورد بحث قرار گرفته است. فشار حزب برای موضعگیری رسمی اتحادیه اروپا را در طول

برای انعکاس این کمپین در رسانه ها. تاکنون حزب در ۱۵ شهر در کشورهای آلمان، سوئد، کانادا و هلند میتینگهای اعتراضی برگزار کرده است و از فردا در شهرهای فرانکفورت، هلسینکی، کپنهاک، اسلو و ونکوور میتینگهایی در طول یک هفته آتی برگزار خواهد شد، در برخی شهرها نیز میزها و چادریهای اطلاعاتی برپا شده است. فعالین حزب تاکنون با دهها سازمان مدافع زنان و مدافع حقوق انسانی، با سازمان عفو بین الملل و با اتحادیه اروپا تماس گرفته و خواهان ارسال نامه های محکومیت و اعتراض به جمهوری اسلامی و سفارتخانه های رژیم در اروپا شده است.

"بررسی" را موجب نشده است. این ها طی ده سال گذشته، علاوه بر بکارگیری انواع سلاحهای مدرن کشتار جمعی، محاصره اقتصادی را هم بمثابة یک ابزار به مراتب موثرتر کشتار جمعی علیه مردم عراق، مردم یوگسلاوی و غیره بکار گرفتند و علیرغم ده ها تن گزارش تکان دهنده در مورد پیامدهای این نسل کشی وحشیانه، بویژه در سلب حق حیات و سلامت از میلیونها کودک، هنوز هم با وقاحت بیسابقه ای به آن ادامه میدهند....

اوضاع جهانی دارد به سرعت دگرگون میشود. جبهه متحدان پیروز جنگ سرد به سرکردگی آمریکا، ده سال پس از نخستین آتشبازی پیروزی شان در جنگ خلیج، دارد شکافهای بزرگی بر میدارد. مهمتر از آن، بیداری و آگاهی روزافزون کارگران و مردم آزادخواه و شرافتمند جهان بویژه در کشورهای پیشرفته، که در آنها اختناق عریان حاکم نیست، به حقایق جهان امروز و دهه ای که پشت سر گذاشته ایم، امید به ایجاد صف پندیده و سنگریندیهایی طبقاتی و آزادیخواه جدی و موثر در برابر نظم وحشیانه موجود را افزایش داده است.

هفته آتی ادامه خواهد داشت. بسیج افکار عمومی یک محور فعالیت حزب بوده است. هم اکنون در مراکز چندین شهر در اروپا میزهای اطلاعاتی روزانه دایر است و اطلاعیه های حزب به زبانهای محلی در تیراژ چندین هزار پخش و توزیع میشود. عکس العمل مثبت مردم نسبت به این فعالیتها و اهداف انساندوستانه حزب یک نقطه درخشان در در کمپین حزب بر علیه سنگسار و اعدام در ایران است. میتینگ در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی در چندین شهر با استقبال از سوی ایرانیان روبرو شده است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم معترض را به شرکت هر چه گسترده تر در میتینگهایمان در روزهای آتی دعوت میکند.

انجمن مارکس لندن

شنبه ۲۰ ژانویه

تاریخ شفاهی چپ

از گومهله تا حزب کمونیست ایران

حسین مرادیگی ایرج فرزاد، منصور حکمت

روردیه ۶ پوند ورود اعضای انجمن رایگان است

Email: marxociety@yahoo.com

Tel: 0771 461 1037

ورود برای عموم آزاد است

اسلام سیاسی زیر ضرب

ایرج فرزاد



نوشته‌اند. در میان جماعت به اپوزیسیون رانده شده، حزب توده که به همراه امام بودن خود افتخار میکرد، این بار در فقدان "رهبر انقلاب"، در تلاش دیگر باز با سالوسی و ریا، دلسوز منتظری از آب درآمد.

سران رژیم در اولین اقدام، سعید منتظری پسر آیت‌الله را زندانی کردند و سپس موفق شدند از طریق اعمال فشار موجب بستن سایت منتظری شوند. و هراس رژیم اسلامی بی دلیل نبود. منتظری از آیت‌الله خمینی دفاع کرده است و به همراهی خود در طول سالها، وفاداری به مکتب امام را حتی در همین "ایام حصر" صراحتاً بیان کرده است. خاطرات منتظری هیچ اطلاعات جدیدی در مورد جنایات خمینی و رژیم اسلامی را در بر ندارد. مشکل سران رژیم بازگوئی بخشی از حقایق از زبان منتظری، بعنوان کسی است که به هر حال اکنون از قدرت "خلع" شده است و نیز به این دلیل که بنا به موقعیت پیشین منتظری، اطلاعاتی "موثق" اند. از جمله اینها نقش خمینی در اعدامهای سال ۶۷ است. منتظری نه ایرادی به حکومت مذهبی گرفته است، نه مخالف قوانین شرع اسلام است، و نه مخالف درسهای "استاد" خویش و توضیح المسائل اوست. خود او هم عین همان احکام اسلام را در مورد قتل، سنگسار، بریدن و قطع اندام بخاطر رعایت احکام فقه و قرآنی و یا حتی تردید و شک در صورت شک در اسلام تأکید کرده است. اینکه "قائم مقام" امام به سادگی کنار گذاشته شد و وقتی از نیروی زور و ارباب دولتی محروم شد، فقه و "علم" او از بسیج کمترین نیرو در میان مردم عاجز ماند، نشان داد که به همین سادگی کل میراث امام و مجموعه بستنبندی اسلام سیاسی، در شرایط محرومیت از قدرت سرکوب و ارباب، از جانب مردم به زباله‌دان ریخته میشود. منتظری این دورنما را پیش‌سازوی طلبه‌های خود گرفته است. مشکل سران رژیم این

استدلال و ماخذ ضمیمه شده‌اند. خاطرات منتظری از طرف دیگر سرنخه‌ای بدست مردم میدهد که با آن بتوانند زندگی کسانی را که بنام رهبر انقلاب قالب کردند، بخوانند، ارتجاع و کهنه‌پرستی را در تمام لحظات زندگی آنها ببینند و تمام داستان خود آنها بشنوند. اینها در دوران شاه بیشتر از شاه، طرفدار قانون اساسی نظام سلطنت بوده‌اند و بیشتر از شاه و ساواک مدافع دامن زدن به کینه مذهبی بین مردم ایران بوده‌اند. اینها شاه را میخواستند که شاه دوره فتوایی و دیکتاتوری قرون وسطایی بماند، مخالفت اینها با شاه و سلطنت، مخالفت با شاه مدافع سرمایه‌داری طرفدار غرب و "مفاسد" دنیای غرب بود، آن قسمتها از نامه خمینی به اسدالله علم در سال ۴۱ را بار دیگر بخوانید. آن چیزی که در سنای ۱۵ خرداد سال ۴۲ شد را ببینید، حضرت امام "راحل" چشم دیدن "زنها" را نداشته است!

این آدم را با چنین ظرفیت ضدانسانی بردند پاریس و در کنفرانس گوادلوپ رهبر انقلابی کردند، چون میدانستند چنین جانوری از چه ظرفیتهای ضدکمونیستی و ضد انسانی برخوردار است و تا چه حد از سعادت و آزادی مردم نفرت دارد. و متأسفانه بخشی از اپوزیسیون پرورده در مکتب حزب توده و اردوگاه برژنف، این رهبری را پذیرفتند و آنچه را که در توان داشتند علیه چپ جامعه بکار گرفتند.

تزلزل رژیم اسلامی و نزدیک بودن آن به لبه گور، نه تنها کل داستان "اسلامی" کردن انقلاب، بلکه علاوه بر آن شخصیتها و پرسوناژهای این ضد انقلاب دست ساخته را در معرض قضاوت عموم قرار میدهد. و فراتر از آن انتقاد اجتماعی ناشی از پروسه سرنگونی رژیم اسلام، به منشا اولیه آن، تسری خواهد یافت. مرور بر زندگی محمد، محتوا و مفهوم واقعی آیات قرآن به زبان آدمیزاد و در یک کلام تمام آن خرافات و جهل و توحشی که بعنوان اسلام سیاسی بستنبندی شده‌اند، زیر ضرب خواهد رفت، مساله بهیچوجه

فقط به بقایای "حجتیه" و گروه "مهدویت" یا "مدرسین" و طلاب مدرسه حقانی، و یا باند "خودسر" سعید امامی محدود نیست. کل اسلام سیاسی دارد جارو میشود و این یعنی بی خاصیت شدن اسلام، بعنوان سلاحی علیه آزادیخواهی، برابری طلبی و سوسیالیسم و انسانیت. سقوط اسلام از قدرت سیاسی در ایران، مردم منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلام زده آفریقائی و دنیای عرب را وارد یک دوران رنسانس فکری و اجتماعی عظیمی خواهد ساخت و بورژوازی بین‌المللی را از یک حربه مهم و یک فاشیسم "توده‌ای" و ضدکمونیستی محروم خواهد ساخت. مباحثات بورژوازی بین‌المللی با جمهوری اسلامی و یاد زدن گفتگوی "تمدن‌ها" و باب کردن نسبیت فرهنگی، نگرانی و وحشت از زنگ زدن سلاح ضدکمونیستی و ضد آزادی و برابری طلبی نهفته در اسلام سیاسی است.

سران رژیم بویژه جناح راست آن، در پیشگیری از این انتقاد ریشه‌ای و غیرقابل برگشت، سعی دارد گرز چرخانی کند و عریده سردهد. اینها تصمیم گرفته‌اند برای آخرین بار شانس خود را برای ایجاد یک دور خفقان و فضای ترس بر جامعه ایران امتحان کنند. می‌خواهند در آستانه انتخابات ۸۰ و بحران بقا رژیم، از فرصت هر نوع مخالفت و عرض اندام مردم پیشگیری کنند، رابطه ارباب و تهدید و بگیر و ببند و حکم اعدام در ملا عام و حکم سنگسار را با حرکات و موضع "قوه قضائی"، و کف چرانی‌های امثال رحیم صفوی میشود بخوبی دید. این تلاشهای فوق ارتجاعی را باید در نطفه خفه کرد و فرصت نفس کشیدن به جمهوری اسلامی را بامید یک فضای رعب و وحشت از آن بردن دوباره به حربه ارباب اسلامی و سرکوب را باید به واپسین پرده نمایش توحش اسلامی و آغازگر پروسه واقعی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرد. به کمپین حزب کمونیست کارگری ایران علیه تقلابهای ارتجاعی رژیم اسلامی برای برقراری خفقان و فضای ترور و وحشت بپیوندد.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

بیسابقه ترین بحران فرهنگی

"از خلقت آدم تا کنون"

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com



تسخیر میکند و به سمت کندن بنیاد فساد و ارتجاع اسلامی پیش میرود.

حکام اسلامی به هر سمت میچرخند، در هر کوی و خیابان، در مدرسه و دانشگاه، در مهمانیها و پارکها، این "شیطان فرهنگی" را میبیند که در قالبهای مختلف در مقابلشان ظاهر میشود: یک روز در قالب پسر ۱۲ ساله نماینده مجلس اسلامی ظهور میکند، پایبچ پدر میشود که "چرا نماینده مجلس شده و مجبورش کرده چهار سال دیگر در ایران بماند، باید برود آمریکا زندگی کند." روزی دیگر در کالبد "دختر جوانی ویولن به دست در خیابانهای قم - نعوذبالله" پیش پای خزعلی ظاهر میشود و آخوند بیچاره را ناگزیر میکند نماز وحشت بخواند.

روزی دیگر در شکل دختری کم سن و سال از خانه فرار میکند و سر از "خانه ریحانه" در میاورد و مقابل یک ژورنالیست آمریکایی سبز میشود و میگوید "من عاشق مایکل جکسون هستم، شما از آیت الله خمینی خوشتان میاید؟ من از او متنفرم" و ژورنالیست بیچاره را مجبور میکند حرف دلش را در صفحات نیویورک تایمز منعکس کند و به گوش مردم جهان برساند. خلاصه، در مقابل این شیطان نه از خدا در آسمان کاری ساخته است و نه از آیت الله های ریز و درشت راست و دوم خردادیش در زمین. نزدیک دوده، کل دستگاه اسلامی با قران و آیه و مسجد و منبر و اوین و دار و تیرباران نتوانسته است این حریف را درهم بشکند و به زانویش در بیاورد. برعکس، در مقابل آن، خیمه اسلامی دو نیمه شده و جناحی از آن سر برآورده و از "دیالوگ" با این شیطان دم میزند. مصباح یزدی هر چقدر هم خرفت باشد اینجا دیگر درست میگوید که "از زمان خلقت آدم تا کنون، شرایط فرهنگی هیچ زمانی، بحرانی تر

هفته گذشته، چاقو کشان حکومت اسلامی، یکبار دیگر چاقوهای شریعت را تیز کرده، از زیر عباها نشان مردم دادند. مردم را تهدید کردند که احکام شریعت را با شدت اجرا خواهند کرد.

این واکنشی مذبحخانه از طرف حکومت اسلامی در مقابل دو حقیقت است: ۱- دهن کچی علنی، گسترده و رو به ازدیاد جوانان در مقابل احکام و شریعت اسلامی. ۲- تحرک اعتراضی رو به افزایش در میان مردم و امکان گسترش بیشتر آن در آستانه "انتخابات" اسلامی. انتخاباتی که هر دو جناح از همین الان در مورد "خطر عدم مشارکت مردمی" در آن ماتم گرفته اند.

تفرق از آداب و رسوم و احکام و فرهنگ اسلامی، در بند بند جامعه موج میزند. سربچی از این احکام، در افتادن با بانیان و پاسداران حکومتی داستان هرروزه در جمهوری اسلامی است. کشمکش فرهنگی جوانان از یکطرف و حکام اسلامی از طرف دیگر صرفاً یک تقابل فرهنگی نیست. این یک تقابل عمیقاً سیاسی است. هم مردم خوب میدانند برای زندگی کردن طبق علایق اجتماعی و فرهنگی خود با سد حکومت اسلامی مواجه اند و هم حکومت اسلامی خوب میدانند انقیاد فرهنگی یک وجه مهم ادامه حیاتش است.

از همان اول، خفقان فرهنگی، یک ستون مهم خیمه شوم حکومت اسلامی بوده است. این ستون بشدت ترک برداشته است. حکام اسلامی را شدیداً نگران کرده است. حیرت زده و مضطرب و مبهوت مانده اند که چگونه این "شیطان فرهنگی"، آنهم در بطن حاکمیت اسلامی، بعد از دو دهه "امر به معروف و نهی از منکر" به ضرب شلاق و اسید و قمه، همچنان قلب جوانان را

ارزشهای اخلاقی و انقلاب که شمره خون میلیونها شهید است، ندارد؟ چرا از اینکه خود را در کنار دین قرار دهد اکراه دارد؟ چرا تمایل به رعایت ارزشهای اخلاق و دینی ندارد؟ چرا دوست دارد بدحجاب باشد؟ چرا دوست دارد شبیه مدلهای غربی آرایش کند؟ چرا از نماز خواندن امتناع میکند؟ چرا روزه نمیگیرد؟ ...

دوم خردادیهها در مقابل شمشیر چرخانیهای همکارانشان در حکومت چه میگویند؟ اینها هم به همان اندازه جناح راست واقفند که چگونه این "شیطان فرهنگی" بال و پر میگستراند و میرود هستی نظام اسلامی را بسوزاند و خاکستر کند. اصلاً به همین دلیل، تا اطلاع ثانوی، اهل "جامعه مدنی" شده اند، "دیالوگ تمدنها" را وضع کرده اند، از "خشونت اسلامی" توبه کرده اند و به "مدارای اسلامی" رو آورده اند. اینها که خوب میدانند مردم مترصد فرصتی هستند تا شلاق و شمشیر اسلامی را با کل این خلافت کثیف مدفون کنند مدتهاست قصد کرده اند با پنبه اسلامی سر ببرند. رئیس جمهور

از امروز جامعه نبوده است. هیچ چیز مهمتر از خطری که امروز دین و ارزشها را تهدید میکند نیست.

نافرمانی فرهنگی در مقابل ارتجاع اسلامی قدرتمندتر از آنست که بتوانند با ساطور چرخانی در هوش بشکنند. رژیم اسلامی دقیقاً در مقابل این قدرت ضعف و سرگیجه گرفته است. همین هفته روزنامه جمهوری اسلامی در گزارش اختصاصی اش از دامنه صدمت با فرهنگ اسلامی، هم قدرت این اعتراض نسل جوان و هم سرگشتگی حکومت اسلامی را به خوبی تصویر کرد: "چرا کسی که در شرایط انقلاب و در زمان حکومت نظام اسلامی بدینا آمده است کمترین توجهی را به

از صفحه ۱

معلمان اخطار میکنند!

"سازمان معلمان" در نامه به مجلس اسلامی نوشته است که دولت فرهنگیان را از افزایش ۲۵ درصد فوق العاده شغل کارکنان دولت استشنا کرده و در بودجه اش نیز پولی به این کار اختصاص نداده است. "خانه معلمان ایران" نیز در اطلاعیه شان به عدم تناسب درآمد فرهنگیان با تورم اقتصادی و استبداد آموزشی اشاره کرده و اعلام کرده است که از ۲۶ دیماه تا ۱۱ اسفند ماه تجمعاتی را در شهرهای تهران، کرج، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و رباط کریم برگزار خواهند کرد.

معلمان و کارکنان آموزش و پرورش که بیش از یک میلیون نفر را شامل میشوند یک قشر زحمتکش و محروم جامعه اند که نه تنها فشار کمربند اقتصادی و شرایط کار دشوار

در "مراسم تجلیل از دانش پژوهان جوان" جای شکی نگذاشت که به همان اندازه ولی فقیه از بابت "همجه فرهنگی" نگران است، پیام همین هفته ولی فقیه را گرفته است که "مبادا سران نظام چیزی بگویند که مورد سو استفاده دشمن شود" و ابدا قصد ندارد طوری لب از لب بگشاید که ولی فقیه را دل آزرده کند: "تقلید، التقاط، ظاهرینی و غرق شدن در مظاهر غرب به پیشرفت و توسعه کمک نخواهد کرد... جوانان باید با انس بیشتر به عوامل عزت خود، از جمله دین، فرهنگ، ملیت و گذشته احساس هویت کنند تا همچون خس و خاشاک در معرض امواج گوناگون و طوفانهای سهمگین مغلوب نشوند. این نسخه دوم خردادی خصومت با نسل جوان و آمل و آرزوهایشان است. این التماس همراه با یاس بخشی از حکومت اسلامی از جوانان است که از اسلام دست نکشند. مردم با هر دو جلوه خصومت حکومت اسلامی آشنایند و هر دو را شکست خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری همه معلمان و کارکنان آموزش و پرورش در سراسر ایران را به گسترش اعتراض و تجمعات اعتراضی علیه حکومت اسلامی، بویژه در شرایط کنونی که فصل مبارزه کارگری برای افزایش دستمزد است، فرامیخواند. اتحاد مبارزاتی کارکنان آموزش و پرورش با کارگران و حمایت از مبارزه یکدیگر، مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و آزادیهای سیاسی را از موقعیت مستحکم تری برخوردار خواهد ساخت. سرنوینی جمهوری اسلامی پیش شرط آزادیهای سیاسی و بهبود جدی در شرایط زندگی این بخش جامعه و کل اقشار محروم است. مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

انترناسیونال هفتگی

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England